

از لابلای بادداشت ها و نیشته های روزمره ام

چگونگی ایجاد "زمین سوخته" در کل منطقه عواقب خطرناک بازی های سیاسی در کشور ما علت فاجعه و تجارت برخون جوانان افغان

سرکوب سیاسی: پرداخت برای آزادی یا ارزش های تبلیغاتی؟
تیم های سرگردان عرصه سیاست افغانستان
حاکمیت جدید در کشور و دستاوردهای مطرح
جنگ در کشور ما از یک دست اداره نمی شود

ستراتژی "زمین سوخته" بمثابة ستراتیژی نظامی تعریف شده است که بمفهوم از بین بردن تمامی منابع موجود در دسترس نیروهای دشمن تعریف گردیده است. ممکن است این سیاست در مورد نیروهای مهاجمی اعمال گردد که در زمین خودی در حال پیشروی می باشند. از ستراتیژی نامبرده در جنگ جهانی دوم و جنگ داخلی امریکا نیز استفاده شده است. بر بنیاد ماده ۵۴ کنوانسیون ژنیو، از بین بردن ذخیره غذایی غیر نظامیان مناطق درگیری ممنوع میباشد. در فنون نظامی، هنگامی که یک ارتش، زمین یا بخشی از کشوری را به تصرف خود درمی آورد، ممکن است پس از مدتی نیروهای منطقه اشغال شده اقدام به باز پس گیری آنجا بنمایند. زمانی که ارتش پی ببرد که منطقه مذکور را از دست خواهد داد، تمامی منابع آن منطقه جغرافیایی را قبل از ترک، از بین می برد تا در اختیار دشمن قرار نگیرد و در آینده از آن منابع علیه ارتش استفاده نشود. این منابع شامل جایگاه های نظامی، منابع انرژی، بناها، صنایع، زمین های زراعتی و... است که مورد تخریب واقع شده و باعث کشیده میشود. این ستراتیژی نظامی تحت عنوان "ستراتیژی زمین سوخته" اطلاق میشود.

درست یکسال و اندی قبل، "طالب" ها که در برخی از کشورها بمثابة گروه تروریستی پنداشته می شوند، در کابل به تصرف قدرت مبادرت ورزیدند. اما علیرغم وعده های داده شده "طالب" ها بجامعه جهانی، در برخی از موارد و مؤلفه ها در کشور، بدستاوردهای آنچنانی نایل نگردیدند. در کنار نگرانی های حقوق بشری و موجودیت بحران اقتصادی جهانی، شهروندان کشور ما همچنان با ناامنی شدید غذایی و تحریم های سازمان های بین المللی مواجه می باشند. با کمبود هزینه کمک های بشردوستانه به کشور ما و شهروندان آن، از مجموعه کمک های ۴,۴ میلیارد دلاری که همه شعبات سازمان ملل بگونه مشترک بمنظور رفع نیازمندی های افغانستان درخواست کرده بودند، تاکنون کمتر از ۴۰ درصد آن تهیه گردیده است. اما این مسأله قابل یاددهانی پنداسته می شود که پس از تصرف قدرت توسط "طالب" ها بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال پار، کمترین کسانی در جهان، امیدوار بهبودی وضعیت در کشور ما بودند. با وجود وعده های سخاوتمندانه مقامات جدید کشور بمنظور ایجاد و پایه گذاری یک دولت فراگیر برای مبارزه قاطعانه با تروریسم، احترام بحقوق و آزادی های شهروندان (هرچند مطابق با موازین شرعی) و موارد دیگر، اما انتظارات شهروندان کشور از قوه بفعال مبدل نگردیده، بلکه برعکس آن عمل گردید. شاید در امتداد زمانی یکساله فرمانروایی حاکمیت "طالب" ها، تقلیل چشمگیر تعداد تلفات غیر نظامیان و کاهش درگیری های مسلحانه در بیشترین مناطق و محلات کشور را بمثابة فرآیند مشروط بحساب آورد. بر بنیاد آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان ملل، از تاریخ ۱۲ ماه جوزای سال پار الی ۲۳ ماه اسد سال روان، درگیری های شدیدی میان نظامیان دولتی و "طالب" ها ادامه داشت که در نتیجه آن بتعداد دوهزارتن از افراد ملکی و شهروندان غیر نظامی کشور از زندگی ساقط گردیده و بتعداد

۵۳۰۰ تن هم زخم برداشتند. بنابراین، از تاریخ ۲۴ ماه اسد سال پار الی ۲۵ ماه جوزای سالروان، در کشور به تعداد ۷۰۰ تن از افراد ملکی کشته شده و ۱۴۰۰ تن هم زخم برداشتند. در وضعیت اینچنینی، آنها همیشه مورد حملات وسیع و گسترده جنگجویان "دولت اسلامی" نیز قرار گرفته اند. اما "طالب"ها وعده سپرده اند که بمبارزات شان علیه جنگجویان "دولت اسلامی" همچنان ادامه خواهند داد. اینکه، آیا این وعده ها بگونه شایسته ایی بویژه در روشنی این واقعیت که الظواهری رهبر "القاعده" توسط هوآپیمای بدون سرنشین امریکایی نه در کدام مغاره، بلکه در کابل تحت تسلط "طالب"ها و در یکی از محلات مرکزی شهر کابل مورد حمله قرار گرفته و از این جهان رخت سفر بربست محقق خواهد شد، جای سؤال دارد.

شهروندان کشور عزیز ما متیقن بودند که قطع عملیات مسلحانه گسترده و سراسری در کشور، بخودی خود اسباب ایجاد امنیت و استقرار صلح پایدار را در کشور فراهم مینماید. اما وضعیت و شرایط کنونی، بویژه از نقطه نظر اقتصادی و قبل از همه، ترک و فرار شهروندان کشور بخارج از محدوده افغانستان، واقعن فاجعه پاراست. بر بنیاد واقعیت های موجود، شرایط و وضعیت عمومی در سراسر کشور بدتر شده می رود. معاونت ها و کمک های بین المللی که در امتداد سال های سال کابل روی آن حساب می نمود، در مجموع خشک گردیده است، هیچ کشوری اصلن حاضر نیست تا معاونت ها و کمک های مالی در اختیار "طالب"ها قرار دهند. بر همین بنیاد ایالات متحده تصمیم گرفت تا در حدود ۷ میلیارد دالر سرمایه بانک مرکزی کشور را منجمد و مسدود نماید. بایست خاطر نشان نمود که بدون تداوم معاونت ها و کمک های خارجی، روند سقوط اقتصاد و بزوال کشور تسریع خواهد گردید. اما قابل یاد دهنانی پنداشته می شود که توسط کمک های خارجی، بیشتر از نیمی از تعداد مجموعی شهروندان کشور ما را نیز بگروگان گرفتند. بر بنیاد آمار و ارقام منتشره توسط سازمان های امداد رسان ۹۰ درصد از افغان برای خوردن و رفع گرسنگی خود و خانوار هایشان چیزی در بساط ندارند. مطابق برآوردهای برنامه غذایی سازمان ملل، افغانستان در سراسر جهان یکی از جمله کشورهای بیشترین مصرف کننده مواد غذایی محسوب می گردد. همچنان کمیساریای عالی سازمان ملل در امور مهاجران اعلام نمود که در امتداد سال پاراز وقوع بحران عظیمی در ارتباط با تهدید گرسنگی در افغانستان جلوگیری بعمل آمد، اما معضلات موجود بویژه در ارتباط با مسایل حقوق بشری، بویژه در سایه بحران اقتصادی جهانی، شهروندان کشور ما قبل از همه با کمبود مواد غذایی و مشکل نبود سرپناه نیز مواجه می باشند. بر بنیاد آمار و ارقام منتشر شده سازمان ملل، در وضعیت و شرایط حاضر، تمامی سازمان های بین المللی با کمبود بودجه مواجه می باشند. در این مورد بایست خاطر نشان گردد که از مبلغ ۴,۴ میلیارد دالر تقاضا شده از جانب سازمان ملل بمنظور ارائه کمک های بشردوستانه به شهروندان کشور ما، تاکنون تنها از مجموع کمک های

مورد نظر صرف در حدود ۴۰ درصد کمک های یاد شده تهیه و جمعآوری گردیده است. همچنان از درخواست مبلغ ۳۴۰ میلیون دالر بمنظور انجام عملیات کمک رسانی، در حدود ۵۷ درصد تهیه و مهیا گردیده است. بر این بنیاد، تقاضای سازمان ملل در مورد جمعآوری و تهیه مبلغ ۲,۳ میلیون دالر بمنظور ارائه کمک و معاونت به ۶ میلیون افغان نیاز مند در پاکستان و ایران نیز مطرح گردیده است. از مجموع مبلغ ۶۲۳ میلیون دالر برنامه مساعدت های بشردوستانه سازمان های مربوطه، صرف ۲۳۲,۵ میلیون دالر جمعآوری و تهیه گردیده است.

خبر های امیدوار کننده سازمان ها و نحوه و چگونگی کمک ها و معاونتهای بشردوستانه، بازگوی این واقعیت می باشد که پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها، سازمان ها و نهادهای بشردوستانه، بگونه کلی بمنطق و محلاتی دسترسی حاصل نمودند که قبلن از چنین امکاتی برخوردار نبودند. با حصول چنین امکاتی و دسترسی سازمان های یاد شده به محلات مورد نظر، مشکلات توسعه و موانع و معضلات گسترده مراقبت های بهداشتی و... که شهروندان محلات یاد شده کشور سال های سال با آنها دست و گریبان بودند، بیش از هر زمان دیگر آشکار و هویدا گردید. قابل یاد دهنانی پنداشته می شود که هیچگاهی از موجودیت گسترده معضلات در مورد رعایت موازین حقوق بشر و موانع موجود در راه رشد اجتماعی - اقتصادی کشور نباید لحظه ای هم فرو گذاشت نمود. بر اساس آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان ملل، پس از آنکه "طالب"ها اداره افغانستان را تصاحب نمودند، ستیزه جویان اغلب بشیوه های خشن متوسل گردیده و بتعداد ۱۶۰ تن از شهروندان کشور، از جمله کارمندان دولت پیشین و کارکنان مؤسسات بشردوستانه را سربسته نمودند.

پس از یازگشت "طالب"ها بقدرت در کشور، با وجود عفو عمومی اعلام شده توسط "طالب"ها، بتعداد ۲۰۰ رسانه اطلاعات همگانی از تداوم فعالیت منع گردیده و توقیف گردیدند. برخی از رسانه ها بدلیل کمبود منابع و برخی هم بدلیل نبود مدرک مادی، فعالیت های شان را متوقف نمودند، در عین زمان مقررات دست و پاگیری ظاهرن بمنظور

تنظیم فعالیت های خبرنگاران و اهل مطبوعات کشور نیز وضع گردید. بر بنیاد گزارش مجمع بین المللی خبرنگاران، کم از کم بتعداد ۱۷۳ تن از کارمندان وسایل اطلاعات همگانی درکشوریا زندانی گردیده، یا با تهدیدها و برخوردهای خشنی مواجه گردیدند. نماینده های اقلیت های ملی و مذهبی بیش از دیگران مورد غضب "طالب" ها قرار گرفتند. چه، برای اقلیت های یادشده، عرصه زندگی بیش از پیش محدود و محدود تر گردیده و با ارباب از حملات مجدد، بیش از پیش بخاموشی درصدد انتقام جویی می باشند.

اما در کنار سایر مسایل متذکره، نباید فراموش نمود که تمامی حملات انتقامجویانه علیه اقلیت های ملی - مذهبی به "دولت اسلامی خراسان" نسبت داده شده و "دولت" یادشده نیز مسؤلیت آنهمه را بر عهده گرفت. اما شهروندان شیعه و هزاره کشور، بیشتر از اقلیت های دیگر خساره مند شده و رنج های بیکرانی را متحمل گردیدند. با وجود آنکه قبل از رویکار آمدن "طالب" ها، اقلیت های ملی - مذهبی بر بنیاد مواد قانون درارگان های حکومتی و پارلمان کشور بگونه فعالانه سهمیم بودند، اما در شرایط و وضعیت حاکمیت "طالب" ها، آنها صرف بمنظور زنده ماندن تلاش می ورزند.

از وقوع حوادث امنیتی و انجام اقدامات انتحاری در مسجدها، در میدان ها و محلات مسابقات ورزشی، در مکتب ها و مراکز آموزشی مرکز ولایت های کشور، بمشکل بتوان احصائیه و ارقام مؤثقی ارائه نمود. در نتیجه انجام بسیاری از حملات یادشده، صدهاتن وحتا بیشتر از آن از شهروندان غیر نظامی کشور بخاک و خون کشیده شدند.

حوادث اتفاقیه اینچنینی در ولایت های کندز و کندهار، بویژه در حملات زمستان سال پار، شاهد مدعای ماست. بر بنیاد ارقام ارائه شده توسط عفو بین الملل، "طالب" ها شهروندان هزاره کشور را مجبور به رها نمودن زمینهای زراعتی متعلق بآنها در دایکندی، هلمند و برخی از ولایت های کشور نموده و ناگزیر بترک اجباری محلات بود و باش شان گردیدند.

اما در نتیجه مقاومت اهالی و اعتراض های جمعی در برخی از ولایت های کشور، "طالب" ها ناگزیر باسترداد زمین های یادشده گردیدند.

اطلاعات منتشر شده روزهای پسین از باتش کشیدن چندین منزل رهائشی اهالی در ولایت جوزجان که اکثریت باشنده های آنجا را شهروندان ازبک تبار تشکیل می دهند، خبر دادند. در برخی از حالات، شهروندان یادشده ناگزیر به کوچ اجباری از محلات اصلی بود و باش شان نیز گردیدند.

باینحال، در وضعیت و شرایط حکومتداری "طالب" ها، بانوان کشور بیشتر از دیگران با وضعیت فاجعه بارتی مواجه گردیده و در امتداد مدت زمان پس از ورود مجدد "طالب" ها بکشور، بگونه مجموعی بدلیل جنسیتی، از زندگی اجتماعی بگوشه ای رانده شده و با محدودیت های خفه کننده ای مواجه گردیدند. بگونه نمونه می توان از سلب حق تحصیل بالاتراز صنف ششم بانوان کشور و از مانع گردیدن کار و فعالیت آنها در برخی از ادارات دولتی وحتا در سکتور خصوصی نیز نامبرد. در نتیجه، یگانه گزینه کار و فعالیت بانوان کشور صرف در زمینه های تعلیم و تربیه ویا بخش های بهداشتی مجاز می باشد.

"طالب" ها نه تنها بانوان کشور را در خارج از منزل ناگزیر به پوشاندن سرو صورت شان نموده بلکه آنها را از انجام سفر بدون محرم شرعی منع نموده اند و این در حالیکه همسران بسیاری از بانوان کشور در نتیجه درگیری های مسلحانه در کشور از زندگی ساقط گردیده اند.

تشکل و سازماندهی اجتماعات اعتراض گونه علیه "طالب" ها بگونه ای قابل درک، نادر است. اما سال پار، بتاریخ ورود "طالب" ها به شهر کابل، بانوان کشور با پذیرفتن خطر های موجود، بسازماندهی گروههای اعتراضی در شهر کابل مبادرت ورزیده و با صدای رسا، شعارهایی در دفاع از آزادی وحق تحصیل وکار برای بانوان کشور را بگوش همگان رسانیدند. اما گروههایی یادشده بگونه غم انگیزی پایان پذیرفت و در نتیجه شلیک های هوایی نیروهای امنیتی "طالب" ها، عده ای از معترضان مجروح گردیدند.

ببینید، هنجارهای منحصر بفرد حکومتداری را نباید بهیچوجه فراموش نموده و ضابطه های آنرا دست کم گرفت. چه، در غیر آن اصل سیستم حاکمیت و فرمانروایی مورد پرسش قرار خواهد گرفت. فروپاشی اغلب حاکمیت های سیاسی در کنار عوامل دیگر، از جمله یکی هم عدم توجه لازم به مقتضیات عصر و موارد حتمی و لازمی حکومتداری در شرایط و وضعیت حاضر و موجود در داخل کشور، وضع منطقه و چگونگی خواست ها و آرزومندی ها و تقاضا های جامعه جهانی و اجتماع بین المللی صورت گرفت. نمی توان با پیروی ضوابط و مقررات و توصیه های قرون وسطایی، ادعای حاکمیت و تداوم حیات در سده ۲۱ را نمود.

بی‌آیید باجمع مغزسرد و با درنظرداشت ضرورت های جامعه خودی و بربنیاد حکم زمان تا دیرنشد درطرزنگاه و بینش خویش درقبال حقایق عینی موجود و واقعیت غیرقابل انکار تجدید نظر نموده و راه و رسم پذیرفته شد درجهان موجود را بمتابۀ حقیقت مسلم پذیرفت.

شنبه ۲۱ ماه عقرب سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۱۲ ماه نوامبر سال ۲۰۲۲ ترسایی